

اهمیت نقش صنایع و معادن در برنامه عمرانی چهارم

قبل از شروع مطالب یعنی بررسی نقش بخش صنایع و معادن در برنامه چهارم لازم است بعنوان مقدمه توضیحاتی درباره اصول تنظیم برنامه های عمرانی و هدفهای آنها داده شود .

از : هادی خراسانی

برنامه های عمرانی و هدفهای آنها

برنامه اقتصادی دارای دو مفهوم میباشد یکی مفهوم اعم و دیگری اخص. برنامه بمفهوم اعم عبارت از پیش بینی و تعیین خط مشی معینی برای رسیدن به هدف مشخصی میباشد. باین مفهوم نه تنها دولت بلکه هر مؤسسه و هر فردی میتواند برای انجام امور اقتصادی خود برنامه هائی تنظیم نموده و هزینه هائی برای اجرای آنها اختصاص دهد. ولی برنامه های اقتصادی بنحویکه فعلاً مسطح و متداول شده دارای مفهوم خاص و مشخصات معینی میباشند. یکی از خصوصیات برنامه های عمرانی، دخالت دولت در تنظیم و اجرای آنها است.

بعبارت دیگر امروز عنوان برنامه اقتصادی یا عمرانی به برنامه هائی اطلاق میشود که بوسیله دولت تنظیم گردیده و بوسیله دستگاههای دولتی یا تحت نظارت آنها بمورد اجرا گذارده شود.

در زمان حاضر اغلب کشورها اعم از ممالکی که پیر و اصول اقتصاد سرمایه داری یا اقتصاد سوسیالیست میباشند، به تنظیم و اجرای برنامه های اقتصادی و عمرانی مبادرت میورزند. منتهی برنامه های اقتصادی این دو گروه از کشورها از لحاظ هدف برنامه و حدود دخالت دولت در تنظیم و اجرای آنها، متفاوت است.

بهر حال فن برنامه ریزی مانند فنون دیگر بتدریج راه تکامل را پیموده است و برنامه های اقتصادی و عمرانی که امروز تنظیم میشوند نسبت به برنامه های گذشته کامل تر و جامع ترند. سابقاً برنامه هائیکه بوسیله دولتها تنظیم میشد برشته های معینی از فعالیت

های اقتصادی و یا صنعتی مثلاً احداث چند کارخانه - ساختن تعدادی جاده - توسعه شبکه برق و امثال آن محدود میگردد. باین نوع برنامه ها که از طرحهای معدودی تشکیل میشد نمیتوان در حقیقت نام برنامه عمرانی اطلاق کرد زیرا اجرای چنین برنامه هائی نمیتواند تأثیر عمیقی در عمران و آبادانی کشور داشته باشند. البته اجرای این طرحهای محدود نسبتاً آسان است زیرا احتیاج بسرمایه های هنگفت و تعداد زیادی متخصص و کارشناس ندارد و برای تنظیم آنها مطالعات عمیق اقتصادی ضروری نیست. ولی عیب بزرگ اجرای اینگونه طرحهای پراکنده عدم هم آهنگی بین آنها و سایر فعالیت های اقتصادی کشور میباشد و بنا بر این اجرای چنین طرحهائی کمک لازم به پیشرفت اقتصادی کشور نمیکند. مثلاً چنانچه در نتیجه اجرای طرح توسعه شبکه برق تولید نیروی برق در کشور بمیزان زیادی افزایش یابد، مادامی که صنایع مصرف کننده برق توسعه نیافته باشند، از افزایش نیروی برق نتیجه مطلوب حاصل نخواهد گردید.

همچنین اگر فی المثل کشت پنبه توسعه پیدا کند و بموازات آن صنعت نساجی گسترش نیابد، استفاده لازم از افزایش تولید پنبه حاصل نخواهد گردید لذا برای اینکه کشوری بر رشد اقتصادی نائل گردد باید کلیه رشته ها بموازات یکدیگر توسعه پیدا کنند. توجه بهمین موضوع موجب گردیده است که امروز دولتها بجای تنظیم و اجرای طرحهای محدود و پراکنده، به تنظیم برنامه های جامع و همه جانبه اقتصادی مبادرت ورزند. یکی از نکاتی که در برنامه

ریزی حائز اهمیت است تعیین هدفهای اساسی آن میباشد. هدف برنامه های عمرانی کشورها بر حسب وضعیت اقتصادی آنها متفاوت است. مثلاً در کشورهای پر جمعیت مانند هندوستان یکی از هدفهای اساسی برنامه ریزی ایجاد کار تعیین میگردد. بعضی از کشورها که دچار تورم پولی میباشند هدف برنامه اقتصادی خود را تثبیت قیمتها قرار میدهند. ولی در زمان حاضر اغلب کشور های در حال توسعه هدف اساسی برنامه های خود را افزایش درآمد ملی یعنی رشد اقتصادی تعیین مینمایند و برنامه های خود را بر اساس بدست آوردن رشد اقتصادی سالانه معینی مثلاً ۶ یا ۷٪ تنظیم میکنند ولی غالباً علاوه بر این هدف اصلی، هدفهای دیگری از قبیل کاهش بیکاری - توزیع عادلانه درآمد و امثال آن را نیز در برنامه میگنجانند کما اینکه در برنامه چهارم کشور ما هدفهای پنجگانه زیر در نظر گرفته شده است:

۱ - تسریع رشد اقتصادی و افزایش درآمد ملی.

۲ - توزیع عادلانه درآمد.

۳ - کاهش نیازمندی بخارج.

۴ - تنوع بخشیدن بکالاهای صادراتی کشور.

۵ - بهبود خدمات اداری.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که جامعیت

برنامه های اقتصادی امروزه ناشی از هدف آنها میباشد

بطوریکه قبلاً اشاره شد در زمان حاضر اغلب برنامه های اقتصادی بر مبنای هدف رسیدن بر رشد اقتصادی

سالانه معینی تنظیم میگرددند.

بدیهی است رسیدن به چنین هدفی یعنی ازدیاد

تولید، بدون تقویت نیروی انسانی و تأمین کادر فنی

در سطوح مختلف تولید، امکان پذیر نمیشد. بنا بر-

این برنامه ریزان ناچارند برای تعلیم و تربیت متخصصین

مورد نیاز، پیش بینی های لازم را بنمایند و برنامه های

فرهنگی و آموزشی را در برنامه عمرانی کشور بگنجانند

از طرف دیگر ازدیاد تولید مستلزم افزایش مواد اولیه میباشد. من باب مثال افزایش تولید منسوجات منوط با افزایش محصولات کشاورزی از قبیل پنبه و کتف و ازدیاد قند مستلزم افزایش تولید چغندر است. توجه باین موضوع ایجاب مینماید که در برنامه کلی اقتصادی کشور قسمتی بفعالیت های کشاورزی اختصاص داده شود. گذشته از این برای اینکه حداکثر استفاده از نیروی انسانی در رشته های صنعتی و کشاورزی بعمل آید یعنی بهره وری کار افرادی که در این رشته ها اشتغال دارند، افزایش یابد، باید وسائل بهداشت و رفاه آنها فراهم گردد. برای نیل باین منظور لازم است که در برنامه های اقتصادی فصولی راجع به بهداشت و رفاه اجتماعی گنجانیده شود. بعلاوه افزایش تولیدات صنعتی و کشاورزی بدون دسترسی داشتن بجاده و راه آهن و سایر وسائل ارتباطات مشکل خواهد بود، لذا در برنامه عمرانی کشور باید نسبت بتوسعه ارتباطات پیش بینی لازم بشود.

بنا بر این تعیین هدف اساسی برنامه که غالباً

رسیدن بر رشد اقتصادی سالانه معینی میباشد، موجب

میگردد که برنامه ریزان برای نیل باین هدف برنامه

جامعی که فعالیت های مختلف اعم از صنعتی - کشاورزی

فرهنگی - بهداشتی - ارتباطات - مخابرات و امثال

آن را در بر بگیرد، تنظیم نمایند. اما بطوریکه

اشاره شد برنامه های اقتصادی فقط دارای يك هدف

واحد نیستند بلکه هدفهای مختلفی از قبیل کاهش

بیکاری - تثبیت وضع اقتصادی - توزیع عادلانه درآمد

را تعقیب میکنند. کما اینکه در برنامه چهارم کشور،

نیز بطوریکه قبلاً توضیح داده چندین هدف گنجانیده

شده است.

بدیهی است تعدد هدفها، تنظیم و اجرای برنامه

های عمرانی را دشوارتر میسازد زیرا ممکن است گاهی

این هدفها با یکدیگر مغایرت پیدا کنند. مثلاً هدف

ایجاد شغل برای کلیه افراد آماده بکار، ممکن است باهدف ازدیاد تولید حداکثر ممکنه بخصوص در کشور های پر جمعیت، مابین داشته باشد زیرا بالا بردن میزان تولیدات صنعتی و کشاورزی بحداکثر ممکنه، در بعضی موارد مستلزم بکار بردن جدیدترین و دقیق ترین ماشین آلات میباشد و معمولاً این نوع ماشین آلات با حداقل کارگر مورد استفاده قرار میگیرند یعنی موجب صرفه جوئی در تعداد کارگران میگردد و بهمین لحاظ آنها را در اصطلاح اقتصادی Labor Saving مینامند. بدیهی است تعمیم استفاده از اینگونه ماشین آلات در کشورهای پر جمعیتی نظیر هندوستان باهدف ایجاد شغل برای عموم افراد آماده بکار، مغایرت دارد. این است که بعضی از محققان عقیده دارند که درممالک پر جمعیت در صورتیکه هدف برنامه اقتصادی رفع بیکاری باشد، بهتر است ماشین آلات معمولی مورد استفاده قرار گیرند و از بکار بردن ماشین آلات بسیار جدید و دقیق خودداری گردد.

هدف تثبیت قیمتها که در بعضی از برنامه های اقتصادی گنجانیده میشود نیز ممکن است با هدف افزایش تولید معارضی باشد. اجرای بسیاری از طرح های عمرانی بخصوص طرحهای مربوط به زیر بنای اقتصادی از قبیل طرحهای راهسازی - سد سازی - فرهنگی و امثال آن مدتی بطول میانجامند بنا بر این بین تاریخ شروع اجرای اینگونه طرحها و تاریخ بهره برداری از آنها، فاصله زمانی نسبتاً طولانی بوجود میآید. ولی در طول این مدت هزینههایی برای اجرای طرحهای مذکور بمصرف میرسد و در نتیجه مصرف وجوه، در آمد طبقات مختلف از قبیل کارگران - پیمانکاران وغیره افزایش پیدا میکند. ولی چون هنوز طرحها به ثمر نرسیده اند، در میزان تولید کالا و خدمات افزایشی حاصل نمیگردد در صورتیکه تقاضای مردم نسبت به کالاها و خدمات بعلت افزایش در آمد عمومی،

فزونی می یابد و چون میزان عرضه با تقاضا تطبیق نمی نماید، قیمتها رو با افزایش میگذارند و موجبات تورم بوجود میآید. شدت ومدت این تورم به نوع طرحهایی که بمورد اجرا گذارده میشوند بستگی دارد. اگر قسمت مهمی از هزینه های عمرانی به فعالیت های ساختمانی اختصاص داده شود، تورم شدید تر و طولانی تر خواهد بود تا در مورد طرحهایی که در مدت کوتاهی به ثمر میرسند از قبیل طرحهای مربوط بتولید کالاهای مصرفی.

یکی از هدفهایی که در برنامه های عمرانی گنجانیده میشود و در برنامه عمرانی چهارم کشور، نیز منظور گردیده، توزیع عادلانه تر درآمدهاست. مفهوم این هدف آن است که سهم بیشتری از در آمد ملی نصیب طبقات کم در آمد کشور منجمله کارگران و کشاورزان گردد. تعقیب این هدف البته از لحاظ عدالت اجتماعی پسندیده است ولی تندروری در این مورد ممکن است با افزایش رشد اقتصادی مغایرت پیدا کند. برای روشن شدن این موضوع باید توجه داشت که افزایش رشد اقتصادی مستلزم افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی است و قسمت مهمی از سرمایه گذاریهای بخش خصوصی از محل پس انداز افراد تامین میگردد. حال باید دانست که افراد محروم و کم در آمد جامعه در صورتیکه در آمدشان افزایش پیدا کند، بعلت همان محرومیت و تنگدستی، تمام یا قسمت اعظم این در آمد اضافی را برای تأمین احتیاجات روزمره خود بمصرف میرسانند و بنا بر این نمیتوانند مبلغ قابل توجهی از اضافه در آمد خود را پس انداز کنند و حال آنکه طبقات متمکن جامعه چنانچه اضافه در آمدی تحصیل نمایند، چون عایداتشان برای تأمین هزینه معاششان کافی است، قسمت اعظم در آمد اضافی خود را پس اندازها با المال بمصرف سرمایه گذاری میرسند بخصوص افزایش در آمد صاحبان صنایع

خصوصی ممکن است تأثیر مهمی در میزان سرمایه گذاریها داشته باشد زیرا بتجربه ثابت شده است که این طبقه قسمت اعظم سود را که از مؤسسات خود بدست می‌آورند بمصرف سرمایه گذاری مجدد و توسعه صنعت خود میرسانند. بنابراین اگر تعقیب هدف توزیع عادلانه درآمدها موجب شود که سهم صاحبان صنایع از درآمد ملی به نفع طبقات محروم کاهش یابد باینکه این نتیجه از لحاظ موازین اخلاقی و اجتماعی چندان قابل توجیه نباشد.

منظور از این مبحث آن است که چنانچه برنامه عمرانی دارای چندین هدف باشد باید هدف اصلی آن مشخص گردد تا هر گاه تضادی بین هدفهای بوجود بیاید، هدفهای فرعی با توجه به هدف اصلی تعدیل گردند. در اینجا بحث در باره کلیات مربوط به برنامه ریزی و هدفهای کلی برنامه‌های عمرانی را خاتمه داده و باصل موضوع این مقاله یعنی اهمیت بخش صنایع و معادن در برنامه عمرانی کشور میپردازیم.

اهمیت بخش صنایع و معادن در برنامه عمرانی چهارم

برنامه چهارم اهمیت مخصوصی برای بخش صنایع و معادن قائل شده است مهمترین توجه خاص بصنایع و معادن، میزان اعتباراتی است که در برنامه چهارم باین بخش اختصاص داده شده است. از مجموع ۴۸۰ میلیارد ریال اعتباریکه برای کلیه فعالیتهای عمرانی برنامه چهارم در نظر گرفته شده ۹۹ میلیارد یعنی بیش از ۲۰ درصد کلیه اعتبارات به بخش صنایع و معادن اختصاص یافته است نکته دیگریکه حاکی از اهمیت نقش صنایع در برنامه چهارم میباشد در نظر گرفتن ۱۵ درصد رشد متوسط سالانه برای این بخش است و با توجه باینکه در برنامه چهارم حد متوسط رشد اقتصادی سالانه ۹ درصد پیش بینی شده، در نظر گرفتن ۱۵٪ رشد متوسط سالانه در مورد بخش صنایع نشانه اهمیت

فوق العاده این بخش در توسعه اقتصادی کشور میباشد. رسیدن به چنین رشدی مستلزم آن است که ارزش تولیدات بخش صنایع و معادن از ۱۸۷ میلیارد ریال رقم مربوط به پایان برنامه سوم، در پایان برنامه چهارم به ۳۷۶ میلیارد ریال برسد یعنی بیش از دو برابر افزایش یابد و در نتیجه سهم تولیدات صنایع و معادن در تولید ناخالص ملی از ۱۴٪ به ۳۰٪/۱۷٪ برسد (۱) پی بردن بدلائل اهمیت نقش صنایع در توسعه اقتصادی کشور دشوار نمیشد.

اهم این دلایل که در گزارش برنامه چهارم نیز بآنها اشاره شده بشرح زیر میباشد:

- ۱- بازده صنعت نسبت بسایر بخشها زیادتر است بدین معنی که مبلغ معینی سرمایه گذاری در بخش صنعتی سود بیشتری عاید میسازد تا سرمایه گذاری همان مبلغ در بخشهای دیگر مثلاً در بخش کشاورزی.
- ۲- بخش صنعتی بیش از سایر رشتههای اقتصادی از روشهای جدید تولید و ماشین آلات دقیق و مدرن استفاده بعمل میآورد و بنابراین بیش از سایر بخشها موجب ترویج تکنولوژی جدید در کشور میگردد.
- ۳- بخش صنعتی با سهولت بیشتری از سایر بخشها میتواند میزان تولیدات خود را با احتیاجات و تقاضای مصرف کنندگان منطبق سازد زیرا در این بخش عوامل غیر قابل پیش بینی و کنترل کمتر مؤثر واقع میشود. در بخش کشاورزی عوامل جوی غیر مترقبه از قبیل خشکسالی - سیل و امثال آن ممکن است باعث کاهش تولید فرآوردههای این بخش گردند و حال آنکه این گونه عوامل تأثیر زیادی در تولیدات صنعتی ندارند. بهمین جهت است که چنانچه بجبهاتی تقاضا نسبت به فرآوردههای صنعتی کاهش یا افزایش یابد، صنایع با سهولت و سرعت بیشتری میتوانند میزان تولیدات خود را بانوسانات تقاضا تطبیق دهند. مثلاً

(۱) گزارش برنامه چهارم صفحه ۲۱۲

يك كارخانه نساجی ميتواند در صورت لزوم با اضافه كردن يامتوقف ساختن چند دستگاه بافندگی ميزان محصولات خود را در مدت کوتاهی بر حسب احتياجات مصرف کنندگان افزایش یا کاهش دهد. بعکس در در بخش کشاورزی انطباق عرضه با تقاضای محصولات دشوار می باشد. مثلاً چنانچه احتیاج به پنبه افزایش پیدا کند از دیاد این محصول مستلزم افزایش سطح زیر کشت پنبه، تأمین آب و امثال آن می باشد تازه ممکن است با وجود توسعه سطح زیر کشت، بعلت بروز آفات نباتی محصول بمیزانیکه انتظار میرفته است بدست نیاید.

۴- مزیت دیگر صنعت آن است که تقاضا نسبت بفرآورده های این بخش بموازات از دیاد در آمد افراد، افزایش میابد. بدین معنی که مردم هر قدر در آمدشان زیاد تر میشود، سهم بیشتری از آن را بخرید فرآورده های صنعتی و سهم کمتری را به تهیه محصولات کشاورزی بیشتر مصرف خوراکی دارند و نیاز افراد ب غذا و خواربار اشباع پذیر است و بنا بر این چنانچه در آمد آنها از حد معین تجاوز کند، دیگر اضافه در آمد خود را بمصرف خواربار نمیرسانند بلکه آن را در راه خرید کالاهای صنعتی صرف مینمایند.

۵- عامل دیگریکه با اهمیت صنایع میافزاید، وجود همبستگی نزدیک بین رشته های مختلف صنعتی است. بدین معنی که ایجاد يك رشته از صنایع موجبات پیدایش صنایع دیگر را فراهم میسازد. البته بعضی از صنایع بیش از برخی دیگر دارای این خصوصیت میباشند. مثلاً صنایع با اصطلاح «مادر» بیش از سایر صنایع به توسعه صنعتی کمک میکنند. صنعت ذوب آهن نمونه اینگونه صنایع بشمار میرود و شاید بهمین علت بوده است که در برنامه چهارم تکمیل این صنعت و همچنین صنعت پتروشیمی و صنعت آلومینیوم که مقدمات تأسیس آنها در برنامه سوم فراهم گردیده بود، مورد توجه قرار گرفته است.

مشکلات اساسی و موانعی که در راه پیشرفت سریع صنعتی کشور وجود دارد و راه حل آنها:

در گزارش برنامه چهارم مشکلاتیکه در زمان حاضر مانع پیشرفت سریع صنعتی کشور می باشد ذکر شده و تدابیری برای رفع آنها پیش بینی گردیده است. مهمترین این مشکلات بشرح زیر است:

- ۱- کمبود متخصص و افراد فنی مورد نیاز صنایع:
- ۲- ضعف مدیریت و قلت کارآئی بعضی از سازمانهای صنعتی.
- ۳- پایین بودن میزان بهره وری در صنایع
- ۴- عدم توجه کافی صاحبان صنایع ب لزوم بهبود کیفیت محصولات و ارزان کردن قیمت آنها.
- ۶- تمرکز صنایع در پایتخت.
- ۷- عدم تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز صنایع.

۸- فقدان مقررات حقوقی و قضائی برای حمایت از حقوق افرادی که از محل پس اندازهای کوچک خود، در شرکت های صنعتی سرمایه گذاری میکنند.

۹- عدم پیش بینی ضوابط رزتن در قانون کار برای تعیین روابط بین سرمایه گذاران و کارگران.

برای رفع این مشکلات در گزارش برنامه چهارم تدابیری پیش بینی شده که میتوان آنها را تحت چند عنوان بشرح زیر خلاصه نمود (۱)

۱- اقدامات مربوط به تأمین نیروی انسانی مورد نیاز صنایع:

- الف- گسترش مدارس حرفه ای و تقویت آموزشگاه های عالی فنی.
- ب- مشارکت در هزینه های مربوط با استخدام کارشناسان داخلی و خارجی.
- ج- تعلیم مدیران و سرپرستان صنایع.
- د- اشاعه روش های نوین تولید و روش های جدید

(۱) گزارش برنامه عمرانی چهارم صفحات ۲۱۸-۲۲۳

فروش کالا و بازاریابی .

ه - جانشین کردن تدریجی کادر تخصصی خارجی توسط کارشناسان ایرانی .
و - تشکیل سمینارهای آموزنده در زمینه صنایع .
ز - تأسیس نمایشگاههایی بمنظور ارائه آخرین روشهای علمی وفنی .

۲ - اقدامات مربوط به کمک های مالی و فنی بصنایع :

الف - قائل شدن تسهیلات اعتباری جهت اعطای وامهای صنعتی و وامهای سرمایه در گردش بصنایع و مشارکت با سرمایه گذاران خصوصی از طریق بانکهای تخصصی .

ب - کمک مالی وفنی بتولید کنندگان کالاهای صادراتی .

۳ - اقدامات مربوط به گسترش صنایع در نقاط مختلف کشور :

الف - خودداری از تأسیس صنایع جدید و توسعه بعضی از صنایع موجود در ناحیه طهران .

ب - ایجاد قطبهای بزرگ صنعتی در نواحی مستعد کشور و ایجاد زیر بنای کافی در این مناطق .

ج - ایجاد تعدادی نواحی صنعتی و تمرکز صنایع کوچک در آن نواحی .

۴ - اقدامات مربوط به تقویت و تشویق بخش صنایع خصوصی :

الف - خود داری دولت از سرمایه گذاری در صناعی که بخش خصوصی بایجاد آنها علاقمند باشد .
ب - واگذاری عده ای از کارخانجات دولتی که ادامه مالکیت آنها برای دولت ضرورت خاصی نداشته باشد ؛ بمردم .

ج - تجدید نظر در قانون تجارت بمنظور حمایت سهام صنعتی متعلق بسهامداران جزء

د - انجام مطالعات و تهیه طرحهای صنعتی و قراردادن نتیجه این مطالعات در دسترس سرمایه گذاران

خصوصی .

هدفهای بخش صنایع و معادن بر نامه چهارم

هدفهای بخش صنایع و معادن بر نامه چهارم را میتوان از دو لحاظ مورد بررسی قرارداد یکی از لحاظ کمیت و یکی از لحاظ کیفیت .

۱ - هدفهای کمی : از لحاظ کمیت بطوریکه قبلاً اشاره شد هدف اصلی بخش صنایع رسیدن به ۱۵٪ رشد متوسط سالانه میباشد . برای نیل باین هدف پیش بینی شده است که ارزش تولیدات بخش صنایع و معادن که در پایان بر نامه سوم در حدود ۱۸۷ میلیارد ریال بوده است در پایان بر نامه چهارم بالغ بر ۳۷۶ میلیارد ریال بالغ یعنی دو برابر خواهد گردید و در نتیجه سهم تولیدات صنایع و معادن در تولید ناخالص ملی که در پایان بر نامه سوم ۱۴٪ بوده است در انتهای بر نامه چهارم به ۱۷/۳٪ خواهد رسید .

موضوع دیگری که در بررسی هدفهای کمی بخش صنایع و معادن حائز اهمیت میباشد میزان سرمایه گذاریهای دولتی و خصوصی در این بخش است .

از ۴۸۰ میلیارد ریال اعتباراتی که در بر نامه چهارم برای کلیه بخشهای بر نامه در نظر گرفته شده ، مبلغ ۹۹ میلیارد ریال یعنی بیش از ۲۰٪ کلیه اعتبارات به بخش صنایع و معادن اختصاص داده شده و این بزرگترین رقمی است که به بخش واحدی اختصاص یافته است و نشانه دیگری از اهمیتی است که در بر نامه چهارم برای بخش صنایع و معادن قائل گردیده اند .

از این ۹۹ میلیارد ریال شش میلیارد ریال برای هزینه های جاری و ۹۳ میلیارد ریال بقیه برای سرمایه گذاریهای ثابت در نظر گرفته شده است و از این مبلغ اخیر ۸۴/۷ میلیارد ریال برای سرمایه گذاریهای ثابت بخش دولتی و ۸/۳ میلیارد ریال بقیه برای واگذاری اعتبار به بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری در صنایع و معادن منظور گردیده است . علاوه

براین پیش بینی شده است که در طول مدت برنامه چهارم، سرمایه گذاران داخلی و خارجی بموازات سرمایه گذاریهای بخش عمومی، جمعا در حدود ۱۱۲ میلیارد ریال در صنایع و معادن سرمایه گذاری خواهند نمود. ضمناً بخش عمومی علاوه بر ۸۴/۷ میلیارد ریال سرمایه گذاری ثابت از محل اعتبارات مصوبه برنامه چهارم، در حدود ۲ میلیارد ریال از محل بهره برداری موسسات انتفاعی و بازرگانی دولت در صنایع و معادن سرمایه گذاری خواهد کرد بطوریکه مجموع سرمایه گذاری بخش دولتی به ۸۶/۷ میلیارد ریال بالغ خواهد گردید. بدین ترتیب در طی برنامه چهارم جمع سرمایه گذاریهای ثابت دولتی و خصوصی در بخش صنایع و معادن به ۲۰۷ میلیارد ریال خواهد رسید که از ارقام زیر تشکیل می یابد.

سرمایه گذاری ثابت در بخش دولتی از محل اعتبارات برنامه چهارم - ۸۴/۷ میلیارد ریال
سرمایه گذاری ثابت در بخش دولتی از بهره برداری موسسات انتفاعی و بازرگانی دولتی - ۲/۰ میلیارد ریال

سرمایه گذاری ثابت موسسات خصوصی داخلی و خارجی در بخش خصوصی ۱۱۲/۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری ثابت موسسات خصوصی از محل اعتبارات سازمان برنامه ۸/۳ میلیارد ریال
جمع - ۲۰۷/۰ میلیارد ریال

قسمت اعظم سرمایه گذاریهای دولتی، در صنایع بزرگ مانند ذوب آهن - پتروشیمی - ماشین سازی والومینیوم انجام خواهد گردید. علت دخالت دولت در تاسیس این صنایع آن است که این رشته ها بیش از سایر رشته های صنعتی، احتیاج سرمایه های هنگفت و تشکیلات عظیم دارند و بعلاوه صنایع مذکور موجبات ایجاد و توسعه صنایع وابسته و فرعی را فراهم میسازند و بنا بر این در جهش صنعتی کشور مؤثر واقع میگردد.

موضوع دیگری که با هدفهای کمی بخش صنایع و معادن ارتباط پیدا میکند پیش بینی تعداد مشاغل است که در نتیجه اجرای برنامه صنعتی و معدنی بوجود خواهد آمد. بطوریکه در گزارش برنامه چهارم پیش بینی گردیده است (۱) اجرای برنامه بخش صنایع و معادن موجب ایجاد ۴۰۰ هزار شغل جدید که ۰/۸۰٪ آن تولیدی است، خواهد گردید.

هدفهای کیفی بخش صنایع و معادن بر نامه چهارم

از لحاظ کیفیت بخش صنایع و معادن بر نامه

چهارم هدفهای اساسی زیر را تعقیب مینماید. (۲)

۱ - بی نیاز کردن نسبی کشور از ورود کالاهای مصرفی خارجی و تولید قسمتی از کالاهای سرمایه ای و واسطه ای در داخل.

۲ - تنوع بخشیدن روز افزون بصادرات بمنظور از بین بردن وابستگی شدید اقتصاد کشور بدرد آمدن نفت.

۳ - استفاده نمودن بحدا کثر ممکنه از منابع و مواد اولیه داخلی و کوشش در انجام فعالیتهای مربوط به تغییر شکل دادن و عمل آوردن منابع و مواد مذکور بنحویکه بتوان بجای صدور مواد خام صنعتی و معدنی، بصورت کالاهای نیمه ساخته یا تمام ساخته شده، پرداخت.

۴ - ایجاد تنوع در صنایع و بهبود جنس محصولات صنعتی و پائین آوردن قیمت آنها بنحویکه بتوانند با کالاهای مشابه خارجی رقابت نمایند.

حال باید دید تا چه حد میتوان به تحقق یافتن هدفهاییکه در برنامه چهارم برای بخش صنایع و معادن پیش بینی گردیده اند، امیدوار بود.

شرائط تحقق یافتن هدفهای بخش صنایع و معادن بر نامه چهارم

رسیدن به هدفهاییکه در برنامه چهارم برای بخش صنایع و معادن پیش بینی گردیده، بستگی بعوامل متعددی دارد. اولاً نیل باین هدفها مستلزم آن است.

(۱) گزارش برنامه چهارم صفحه ۲۱۲
(۲) گزارش برنامه چهارم ۲۱۳

که سایر قسمتهای مربوط بکشاورزی - فرهنگ - ارتباطات و غیره نیز کاملاً اجرا گردند زیرا بطوریکه قبلاً هم اشاره شد، کلیه قسمتهای برنامه عمرانی کشور با هم مرتبط میباشند و لذا چنانچه قسمتی از آن بنحو کامل اجرا نگردد، پیشرفت قسمتهای دیگر بر نامه مواجه با اشکال خواهد گردید. مثلاً چنانچه بر نامه فرهنگی و آموزشی در زمینه تربیت و تعلیم متخصصین و افراد فنی عملی نگردد، اجرای برنامه صنعتی نیز بعلت کمبود متخصصین، بطور مطلوب پیشرفت نخواهد کرد. هم چنین اگر برنامه های کشاورزی در زمینه تولید مواد اولیه مورد نیاز صنایع بنحو کامل اجرا نگردند، انجام برنامه پیش بینی شده برای بخش صنایع، بعلت مضیق مواد اولیه، دچار اشکال خواهد گردید. همین استدلال در مورد سایر بخش های برنامه مثلاً برق - ارتباطات و غیره مصداق پیدا میکند زیرا بدیهی است پیشرفت صنایع مستلزم دسترسی داشتن به برق فراوان - جاده های شوسه - راه آهن و سایر وسائل ارتباط میباشد. بنا بر این شرط اول تحقق یافتن هدفهای بخش صنایع و معادن، اجرای کامل و دقیق سایر قسمتهای برنامه چهارم است.

شرط دوم وجود ثبات اقتصادی و سیاسی داخلی و بین المللی است.

هزینه های طرحهای برنامه های عمرانی معمولاً بر اساس وضع اقتصادی موجود و سطح قیمتهای جاری با در نظر گرفتن تغییرات قابل پیش بینی چند سال آینده، برآورد میگردد. ولی چنانچه بعلى تغییرات فاحشی در وضع اقتصادی داخلی و بین المللی بوجود آید و در نتیجه قیمتها و دستمزدها بطور ناگهانی و با گام سریعی ترقی نمایند، هزینه طرحها از مبلغ اعتبارات پیش بینی شده تجاوز خواهد کرد و اجرای آنها با اشکال مواجه خواهد گردید. بهمین علت است که در

بعضی از کشورها، در پایان هر سال برنامه های عمرانی طویل امدت مورد تجدید نظر قرار میگیرند و با توجه به پیشرفتهای حاصله در سال گذشته و بررسی وضع اقتصادی آینده، تغییراتی در طرحها و برنامه هاداده میشود.

هم چنین ثبات سیاسی داخلی و بین المللی در پیشرفت برنامه های عمرانی، دخالت تامی دارد زیرا چنانچه در کشوری اوضاع سیاسی داخلی دستخوش تشنج گردد، دول خارجی از اعطای وام و سایر کمک ها بآن کشور خود داری خواهند کرد و نیز سرمایه گذاران خصوصی خارجی رغبتی بسرمایه گذاری نشان نخواهند داد و چون معمولاً قسمتی از هزینه های اجرای برنامه های عمرانی باید از محل وامها و سرمایه گذاری خارجی تأمین گردد، لذا فقدان ثبات اقتصادی در کشوری اجرای برنامه های عمرانی آن را بتعویق می اندازد. خوشبختانه سالها است که کشور ما از ثبات اقتصادی و سیاسی برخوردار است و روابط حسنه ای که در این سنوات اخیر بین ایران و کشورهای دوبروک شرق و غرب برقرار گردیده، بیش از پیش موجب ثبات اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور ما شده است. بنا بر این از این لحاظ جای نگرانی نیست. ولی بهر حال تذکر این نکته که یکی از شرائط اساسی به ثمر رسیدن برنامه های عمرانی، وجود ثبات اقتصادی و سیاسی میباشد، لازم است تا مردم بیش از پیش با اهمیت نعمت ثبات سیاسی و امنیتی که از آن برخوردار میباشند پی ببرند. بالاخره یکی دیگر از شرائط لازم برای اجرای کامل برنامه های عمرانی بخصوص برنامه های مربوط به بخش صنایع، همکاری مردم و بویژه صاحبان صنایع خصوصی، با دولت میباشد.

برای روشن شدن این موضوع لازم است اصول برنامه های عمرانی کشور های سوسیالیست با برنامه

های پیر و اصول اقتصاد آزاد مقایسه گردد .
امروز در اغلب کشورهای سوسیالیست و ممالک
پیر و اصول سرمایه داری، بر نامه‌های اقتصادی طویل-
المدت تنظیم و بمورد اجرا گذارده میشوند ولی فرق
اساسی بین این دو نوع بر نامه آن است که در کشورهای
سوسیالیست بر نامه‌های اقتصادی و عمرانی بوسیله دولت
تنظیم و تمام قسمتهای آن توسط دستگاههای دولتی
اجرا میگردد . منجمله سرمایه گذاری در رشته‌های
مختلف صنعتی- کشاورزی و غیره بوسیله دولت انجام
میگیرد . کلیه کارخانجات بوسیله دولت اداره و بهره-
برداری میشوند و فرآورده‌های آنها بوسیله دستگاههای
دولتی توزیع و بفروش میرسند - نرخ دستمزدها و
قیمت کالا توسط دولت تعیین میگردد . بهمین علت در
این کشورها بر نامه‌های اقتصادی با سهولت بیشتری
اجرا میگردد تا در کشورهای متکی با اصول اقتصاد
آزاد زیر ادر ممالک سوسیالیست تمام فعالیت‌های اقتصادی
کشور بوسیله دستگاههای دولتی انجام میگیرند ولی
در عوض در این ممالک از ابتکارات فردی برای پیشرفت
بر نامه‌های اقتصادی استفاده بعمل نیاید و با آنها
آزادی عمل در امور اقتصادی داده نمیشود .
در ممالک پیر و اصول اقتصاد آزاد بر نامه‌های
عمرانی توسط دولت تنظیم میگردد و قسمتی از آن
نیز بوسیله دستگاههای دولتی بمورد اجرا گذارده
میشود ولی اجرای قسمت دیگر بمردم محول میگردد .
در این کشورها هدف اصلی آن است که بر نامه‌های
تنظیمی حتی المقدور توسط مؤسسات و افراد خصوصی
اجرا گردند و اگر هم در مواردی دولت مستقیماً قسمتی
از بر نامه‌های اقتصادی را اجرا مینماید هدفش ارشاد
و هدایت مؤسسات و افراد خصوصی است . در ایران
هم بر نامه چهارم مخصوصاً قسمت مربوط بصنایع
بر اساس همین اصل یعنی شرکت دادن افراد و مؤسسات
خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی، تنظیم گردیده است .
البته دولت اجرای بعضی از طرح‌های صنعتی را

که احتیاج بسرمایه‌های هنگفت و تشکیلات عظیم
دارند، مانند طرح کارخانه ذوب آهن- طرح پتروشیمی
و امثال آنرا خود بعهده گرفته است ولی در مورد سایر
رشته‌های صنعتی، هدف اصلیش تشویق سرمایه-
گذاران خصوصی بایجاد یا توسعه صنایع مختلف بوده
است. حتی بطوریکه قبلاً اشاره شد دولت در نظر دارد
از سرمایه‌گذاری در صنایعی که افراد خصوصی علاقمند
بایجاد آنها باشند، خودداری نماید و نیز تصمیم گرفته
است بعضی از کارخانجات دولتی را به بخش خصوصی
واگذار کند. بعبارت دیگر تا آنجائیکه از مفاد قانون
بر نامه چهارم استنباط میگردد، هدف دولت از دخالت
در امور صنعتی ارشاد - راهنمایی و تشویق بخش خصوصی
میباشد و تا دایره متعددی برای نیل باین منظور پیش‌بینی
گردیده است . منجمله دولت برای تشویق مؤسسات
و افراد خصوصی بایجاد و توسعه صنایع، وام‌های صنعتی
با آنها اعطاء میکند در سرمایه‌های آنها مشارکت
مینماید - نسبت بتأمین کادر فنی و تخصصی مورد نیاز
صنایع خصوصی از طریق ایجاد مدارس حرفه‌ای کمک
میکند - طرح‌های صنعتی سودآوری تنظیم و در اختیار
علاقمندان بسرمایه‌گذاری قرار میدهد - ورود کالا-
هائی را که مشابه آن در داخله کشور تولید میگردد ،
ممنوع میسازد - برای صنایع جدید التأسیس تا چند
سال بخشودگی مالیاتی قائل میشود. حال اگر صاحبان
صنایع از این امتیازات و تسهیلاتیکه دولت برای آنها
قائل شده است استفاده نمایند میتوان امیدوار بود که
بخش صنایع و معادن بر نامه چهارم ، بهدفع‌های پیش‌بینی
شده خود برسد و بعکس چنانچه بخش خصوصی رغبتی
از خود برای بهره‌مند شدن از این امتیازات و تسهیلات
نشان ندهد، بر نامه صنایع و معادن بنحو مطلوب پیشرفت
نخواهد کرد . اینجاست که اهمیت همکاری صاحبان
صنایع خصوصی با دولت در بثمر رسیدن بر نامه‌های
صنعتی ، روشن میگردد .

برای تحقق یافتن هدفهای برنامه صنعتی نه تنها صاحبان صنایع خصوصی، بلکه کلیه طبقات جامعه باید با دولت همکاری کنند. قسمتی از وجوه لازم برای سرمایه گذاری در صنایع از پس اندازهای مردم تأمین میگردد. حال اگر افراد علیرغم مشوقهائیکه

دولت برای بکار افتادن پس اندازها در امور صنعتی و تولیدی قائل شده است، وجوه خود را بجای خرید سهام صنعتی به مصرف انجام امور غیر تولیدی از قبیل معاملات زمین و مستغلات برسانند، بدیهی است برنامه صنعتی بنحو مطلوب اجرا نخواهد شد.